

ساخت و درستی آزمایی مقیاس استحکام من: یک مطالعه مقدماتی

Development and validation of ego strength scale: A preliminary study

M.A. Besharat, Ph.D.

دکتر محمدعلی بشارت *

چکیده

استحکام من، مجموعه‌ای از کنش‌های من به‌عنوان یکی از ساختارهای اساسی شخصیت محسوب می‌شود. فرایند بهنجار تحول مستلزم توانایی من در مواجهه با مطالبات و تعارض‌های نهاد، فرامن و مقتضیات محیط است. سنجش این توانایی نیازمند داشتن ابزاری معتبر است. هدف اصلی این پژوهش ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس استحکام من شامل درستی سازه، درستی همگرا و تشخیصی (افترافی)، همسانی درونی و قابلیت اعتماد بازآزمایی بود. دویست و شصت و هفت دانشجو (۱۵۱ دختر، ۱۱۶ پسر) به‌صورت داوطلب در این پژوهش شرکت کردند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد مقیاس استحکام من (ESS)، مقیاس رواندرستی (MHI-28)، مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان (DERS) و مقیاس عواطف مثبت و منفی (PANAS) را تکمیل کنند. طرح پژوهش حاضر توسعه‌ای-کاربردی است. در این پژوهش، از روش‌های تحلیل آماری شامل تحلیل عاملی اکتشافی برای درستی سازه؛ ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی؛ و بازآزمایی برای پایایی ابزار استفاده شد. نتایج تحلیل

*. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل)

این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۵۱۰۶۰۰۳/۱/۶۰ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

عاملی اکتشافی، پنج عامل را برای مقیاس استحکام من تأیید کرد. درستی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس استحکام من از طریق سنجش همزمان رواندرستی و درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف مثبت و منفی در مورد شرکت‌کنندگان محاسبه شد. ضرایب همبستگی میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در مقیاس‌های استحکام من با شاخص‌های رواندرستی و درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف مثبت و منفی معنادار بود. همسانی درونی مقیاس‌های استحکام من بر حسب ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و با ضرایب همبستگی از ۰/۷۹ تا ۰/۸۵ مورد تأیید قرار گرفت. قابلیت اعتماد بازآزمایی مقیاس‌های استحکام من بر اساس نتایج دو بار اجرای آزمون محاسبه شد و با ضرایب همبستگی از ۰/۶۵ تا ۰/۷۳ در سطح $p < ۰/۰۰۱$ مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس نتایج این پژوهش، مقیاس استحکام من برای سنجش این سازه در نمونه‌های ایرانی از قابلیت اعتماد و درستی کافی برخوردار است.

واژه-کلیدها: مقیاس استحکام من (ESS)، قابلیت اعتماد، درستی، روانسنجی.

Abstract

Ego strength refers to a set of ego functions as one of the personality structures. Normal development process requires ego abilities in coping with id, superego and environmental demands and conflicts. Having a valid instrument is needed to measure these abilities. The aim of the present study was to develop and examine psychometric properties of the Ego Strength Scale (ESS) including construct validity, convergent and discriminant validity, internal consistency, and test-retest reliability. Three hundred and twelve Iranian men and women (174 women, 138 men) participated in this study, voluntarily. All participants were asked to complete the ESS, the Mental Health Inventory (MHI-28), Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS), and Positive and Negative Affect (PANAS). The design of the present study was developmental-practical. Analysis of the data involved exploratory factor analysis for construct validity, Cronbach's alpha coefficients for internal consistency, and test-retest for reliability. The results of exploratory factor analysis supported a five factor structure including Ego-control, Ego-resiliency, Mature

Defense Mechanisms, Problem-focused Coping Strategies and Positive Emotional-focused Coping Strategies. The convergent and discriminant validity of the ESS were supported by an expected pattern of correlations between the scale and the measures of psychological well-being, psychological distress, difficulties in emotion regulation, and positive and negative affects. All correlation coefficients between the mean scores on the ESS and scores of the psychological well-being, psychological distress, difficulties in emotion regulation, and positive and negative affects were statistically significant. Coefficient alpha estimates of internal reliability were between 0.79 and 0.85 for the ESS subscales. Test-retest reliability of the ESS was also calculated at the range of 0.65-0.73 ($p < 0.001$). All correlations were statistically significant. It was concluded that the ESS can be considered as a reliable and valid scale to measure ego strength in Iranian samples.

Keywords: ego strength scale (ESS), reliability, validity, psychometrics.

Contact information: besharat@ut.ac.ir

مقدمه

استحکام من^۱، مجموعه‌ای از کنش‌های من به‌عنوان یکی از ساختارهای اساسی شخصیت، ریشه در نظریه‌های فروید دارد. از دیدگاه فروید (۱۹۲۳)، استحکام من به توانایی من در مواجهه با مطالبات و تعارض‌های نهاد، فرامن و مقتضیات محیط و مدیریت این شرایط اطلاق می‌شود. از این نقطه‌نظر، استحکام من به فرد کمک می‌کند تا در شرایط استرس‌زا و درمانده‌ساز، ثبات و پایداری هیجانی خود را حفظ کند. برعکس، اگر من از استحکام کافی برخوردار نباشد، فرد در کشاکش مطالبات و تعارض‌ها گرفتار می‌شود و آشفتگی هیجانی را تجربه می‌کند. ضعف من از شاخص‌های اصلی آسیب‌شناسی روانی در رویکردهای روان‌پویایی محسوب می‌شود (وینر، تنن و سولس، ۲۰۱۲). بر اساس نظریه‌های تحولی (برای مثال، اریکسون، ۱۹۶۵؛ لوینگر، ۱۹۷۶)، استحکام من محصول فایق آمدن بر بحران‌های تحولی و گذار موفق از یک مرحله به مرحله بعدی تحول روانی است؛ فرایندی که پیامد آن رشد و استحکام من (باتر، شاب و مک آدامز، ۲۰۱۱) و شکل‌گیری هویت (کریمر، ۲۰۱۲) است.

گرچه چهارچوب مفهومی استحکام من در این نظریه‌ها ترسیم شده است، انجام پژوهش‌های میدانی و تجربی در این حوزه مستلزم تعریف عملیاتی مشخص و عینی این سازه است. در پاسخ به این نیاز پژوهشی، استحکام من برحسب کنش‌ها و عملکردهای من تعریف و سنجیده شده است. بر این اساس، میزان استحکام من برحسب مجموعه توانمندی‌های روانشناختی فرد برای حل تعارضات درون روانی و تعامل با محیط (مک کرا و کاستا، ۲۰۰۵) شامل مهار من^۱، تاب‌آوری من^۲، مکانیسم‌های دفاعی^۴ و راهبردهای مقابله‌ای^۵ تعیین می‌شود (بشارت، زاهدی تجریشی و نوربالا، ۱۳۹۲؛ بلاک، هورویچ و گدینمن، ۱۹۷۳). هر یک از این ویژگی‌ها به نحوی به فرد کمک می‌کنند تا با مشکلات مقابله کند، به حل مسایل بپردازد، احساس یکپارگی خود را حفظ نماید و فراتر از این‌ها به سطحی بالاتر از رشد برسد.

مهار من به توانایی فرد در بازداری یا عملی‌سازی تکانه و تاب‌آوری من به توانایی فرد برای سازش‌یافتگی در مواجهه با تغییر شرایط محیطی اشاره دارد. تاب‌آوری من، ظرفیت پویای فرد برای تعدیل سطح مهار من در پاسخ به تقاضاهای موقعیتی است (بلاک، ۲۰۰۲؛ واگ، فردریکسون و تیلور، ۲۰۰۸؛ ویر و جرد، ۲۰۰۲). پیوستار مهار من از کم مهارگری تا بیش مهارگری امتداد دارد. افراد کم مهارگر، توان لازم برای به تأخیر انداختن ارضای نیازها را ندارند؛ سطوح بازداری رفتاری و مهار تعمدی^۶ (توانایی تمرکز یا تغییر توجه و کنترل تکانه‌ها و هیجان‌ها؛ روتبارت، الیس، روئدا و پوسنر، ۲۰۰۳) آن‌ها پایین است؛ و برعکس سطوح واکنش‌پذیری^۷ و تکانشوری^۸ آن‌ها بالا است. افراد بیش مهارگر، هیجان‌ها و رفتارهایشان را در محیط‌های جدید بیش از حد بازداری می‌کنند؛ سطوح واکنش‌پذیری و تکانشوری آن‌ها پایین است؛ و در عین حال توانایی لازم برای تمرکز و تغییر ارادی توجه و فعال‌سازی رفتاری را ندارند (بلاک، ۲۰۰۲). سطوح متوسط مهار من با سازش‌یافتگی و تاب‌آوری بیشتر در برابر نامایمات مطابقت می‌کند (بامستیر، ولس و تیس، ۲۰۰۷).

تاب‌آوری من به فرایند پویای سازش‌یافتگی مثبت با تجربه‌های تلخ و ناگوار اطلاق می‌شود (لاتار و چیچتی، ۲۰۰۰؛ مستن، ۲۰۰۱) و در امتداد یک پیوستار با درجات متفاوت از مقاومت در برابر آسیب‌های روانشناختی قرار می‌گیرد (اینگرام و پرایس، ۲۰۰۱). تاب‌آوری، برحسب این تعریف، فراتر از جان سالم بدر بردن از استرس‌ها و نامایمات زندگی است (بونانو، ۲۰۰۴)

و با رشد مثبت، سازش‌یافتگی و رسیدن به سطحی از تعادل پس از به‌وجود آمدن اختلال در وضعیت تعادلی پیشین، مطابقت می‌کند (ریچاردسون، ۲۰۰۲). تاب‌آوری من، مدیریت استرس و قدرت سازش‌یافتگی فرد را افزایش می‌دهد و به‌عنوان سپری در برابر آسیب‌ها و استرس و اضطراب‌پذیری عمل می‌کند. اگر تاب‌آوری من ضعیف باشد، فرد در مواجهه با شرایط استرس‌زا دچار آشفتگی و درماندگی می‌شود و ممکن است نتواند به وضعیت تعادلی قبلی بازگردد (بلاک و بلاک، ۱۹۸۰؛ کریمر، ۲۰۱۲).

مکانیسم‌های دفاعی فرایندهای روانی ناهشیار هستند که مسئولیت محافظت از من را در مواجهه با شکل‌های مختلف اضطراب بر عهده دارند (فروید، ۱۹۲۳). این مکانیسم‌ها، علاوه بر محافظت فرد در مقابل اضطراب و آگاهی از خطرات و عوامل استرس‌زای درونی و بیرونی (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳)، تجربه‌های ذهنی مربوط به افکار، عواطف و هیجان‌های دردناک را نیز نظم‌جویی می‌کنند (ففر، هارت، پسکین و سیفکر، ۱۹۹۵). فروید (۱۹۲۳) سبک دفاعی^۹ شخصی، یعنی فراوانی استفاده از مکانیسم‌های دفاعی متفاوت در مقایسه با یکدیگر، را متغیر اصلی برای شناخت شخصیت، آسیب‌شناسی و میزان سازش‌یافتگی می‌داند؛ فرضیه‌ای که برحسب یافته‌های پژوهشی بسیار مورد تأیید قرار گرفته است. سبک‌های دفاعی در شرایط معمول زندگی، مواجهه فرد با تغییرات روانشناختی و محرک‌های استرس‌زای محیطی را تسهیل می‌کنند و باعث تداوم سازش‌یافتگی فرد می‌شوند (باند و پری، ۲۰۰۴؛ بشارت، ۱۳۸۴؛ بشارت، شریفی و ایروانی، ۱۳۸۰). شواهد تجربی نشان داده‌اند که مکانیسم‌ها و سبک‌های دفاعی را می‌توان برحسب سلسله‌مراتبی از سازش‌یافتگی نظم‌جویی کرد (ویلنت، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸). مکانیسم‌ها و سبک‌های دفاعی سازش‌یافته با پیامدهای تندرستی و روانی در ارتباط قرار می‌گیرند (بشارت، محمدی حسینی‌نژاد و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۳؛ محمدی حسینی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ ویلنت، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰) و مکانیسم‌ها و سبک‌های دفاعی سازش‌نیافته با بسیاری از شاخص‌های منفی سلامت مانند اختلال‌های شخصیت و افسردگی مرتبطند (پری و کوپر، ۱۹۹۲؛ کریمر، ۱۹۹۹؛ ویلنت و دریک، ۱۹۸۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دفاع‌ها با اختلال‌های روانی محور I و II رابطه دارند (بشارت، ۱۳۸۷، ۲۰۱۰؛ بشارت و شهیدی، ۲۰۱۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۳؛ قربانی، ۱۳۸۲؛ محمدی حسینی‌نژاد، ۱۳۹۱). بین مکانیسم‌های دفاعی ناکارآمد و

اختلال‌های روانی مانند افسردگی (مک ماهون، برنت، کوالنکو و تنانت، ۲۰۰۵؛ کوون و اولسون، ۲۰۰۷) اختلال وحشتزدگی (کیپر، بلایا، واپلسکی، دورنلز، سالوم و همکاران، ۲۰۰۷) و اختلال شخصیت مرزی (باند، ۲۰۰۴) رابطه وجود دارد. سبک‌های دفاعی بیماران روانپزشکی ناکارآمدتر و سازش‌نیافته‌تر از سبک‌های دفاعی افراد بهنجار هستند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۳؛ کیپر، بلایا، تروشکین، هلت، ایسولان و همکاران، ۲۰۰۴؛ محمدی حسینی‌نژاد، ۱۳۹۱).

فرایند مقابله عمدتاً از فعالیت‌ها و اقدامات شناختی و رفتاری فرد برای مدیریت استرس تشکیل می‌شود. طبق تعریف لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴)، مقابله مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و فرایندهای رفتاری و شناختی برای ممانعت، مدیریت، یا کاهش استرس است. محققان، مقابله را معادل تلاش هشیار برای مواجهه با مطالبات استرس‌زا می‌دانند. در این مقابله، پاسخ‌های رفتاری آموخته شده، از طریق محدودسازی اهمیت موقعیت خطرناک یا ناخوشایند (مطالبات استرس‌زا)، استرس را کاهش می‌دهد. گرچه راهبردهای مقابله فعالیت‌های بسیاری را شامل می‌شوند، اکثر آنها مبین تلاش برای بهبود یک موقعیت دشوار مثل طراحی نقشه و اقدام عملی (مقابله مسئله‌محور^{۱۱})، یا برای نظم‌جویی درماندگی هیجانی مثل جستجوی دیگران برای حمایت عاطفی یا کاهش شدت دشواری موقعیت از نظر شناختی (مقابله هیجان‌محور^{۱۲}) هستند. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که نوع راهبرد مقابله مورد استفاده به‌وسیله فرد نه تنها رواندرستی^{۱۳} که تندرستی^{۱۴} وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (بشارت و شالچی، ۱۳۸۶؛ بشارت، براتی و لطفی، ۱۳۸۷؛ پیکو، ۲۰۰۱).

نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استحکام من با تعدادی از شاخص‌های رواندرستی و اجتماعی شامل حرمت خود، منبع مهارگری درونی^{۱۴}، همدلی با دیگران، راهبردهای مقابله و درخواست برای حمایت اجتماعی (مارکستروم، ساینو، ترنر و برمن، ۱۹۹۷؛ مارکستروم و مارشال، ۲۰۰۷)، سازش‌یافتگی اجتماعی و هیجانی (شارما، ۲۰۱۲)، راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان (بشارت، اسدی و تولاییان، ۱۳۹۴؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۲) و سبک‌های هویت (بشارت، شفیعی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴) رابطه دارد. اهمیت نظری، بالینی و پژوهشی سازه استحکام من مستلزم داشتن ابزار حساس، مناسب و معتبر برای اندازه‌گیری این متغیر تأثیرگذار بر رفتار و عملکرد بهنجار و نابهنجار افراد است. با این هدف، نسخه اولیه مقیاس استحکام من^{۱۴}

(ESS) برحسب پیشینه‌های پژوهشی در این حوزه (اندروز، سینگ و باند، ۱۹۹۳؛ بلاک، ۲۰۰۲؛ بلاک و بلاک، ۱۹۸۰؛ کارور، شیر و وینتراب، ۱۹۸۹؛ کانر- دیویدسون، ۲۰۰۳؛ کریمر، ۲۰۱۲)، و بر اساس مؤلفه‌های سازنده آن شامل مهار من، تاب‌آوری من، مکانیسم‌های دفاعی و راهبردهای مقابله متشکل از ۳۵ گویه ساخته شد تا ویژگی‌های روانسنجی آن در این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: طرح پژوهش حاضر توسعه‌ای است. ۲۷۰ دانشجوی به صورت داوطلب در دسترس در این پژوهش شرکت کردند. شرایط لازم برای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: الف) رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش؛ ب) اشتغال به تحصیل در مقطع کارشناسی در یکی از دانشگاه‌های شهر تهران در زمان انجام پژوهش؛ ج) نداشتن بیماری روانپزشکی و یا پزشکی مستلزم مصرف دارو در زمان انجام پژوهش. پس از جلب مشارکت آزمودنی‌ها، مقیاس استحکام من (ESS)، مقیاس رواندرستی (MHI-28)، مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان (DERS) و فهرست عواطف مثبت و منفی (PANAS) در مورد داوطلبان به صورت فردی اجرا شد. به منظور کنترل اثر ترتیب و خستگی، مقیاس‌ها به تناسب با ترتیب‌های متفاوت ارائه شدند. تعداد ۳ آزمودنی به دلیل پاسخ ناقص به پرسشنامه‌ها از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب نمونه پژوهش به ۲۶۷ نفر (۱۵۱ دختر، ۱۱۶ پسر) تقلیل یافت. میانگین سن کل دانشجویان ۲۲/۵۶ سال با دامنه ۱۸ تا ۳۰ سال و انحراف استاندارد ۲/۶۳، میانگین سن دختران ۲۲/۱۳ سال با دامنه ۱۸ تا ۲۷ سال و انحراف استاندارد ۲/۲۷ و میانگین سن پسران ۲۳/۵۰ سال با دامنه ۱۹ تا ۳۰ سال و انحراف استاندارد ۲/۷۸ بود.

مقیاس استحکام من: مقیاس استحکام من (ESS؛ بشارت، ۱۳۸۶ الف)، یک ابزار ۳۵ گویه‌ای است که با اقتباس از ابزارهای سنجش مهار من، تاب‌آوری من، مکانیسم‌های دفاعی و راهبردهای مقابله‌ای برای اندازه‌گیری میزان توانمندی من در مهار و مدیریت موقعیت‌ها و شرایط دشوار زندگی ساخته شده است (بشارت، ۱۳۸۶ الف). نسخه ۳۵ گویه‌ای مقیاس

استحکام من پس از طی مراحل اولیه تهیه و بررسی و تأیید درستی محتوایی^{۱۵} بر اساس داوری ده نفر از متخصصان روانشناسی، در نمونه حاضر به منظور بررسی ویژگی‌های روانسنجی آن مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس واکنش‌های فرد به موقعیت‌های دشوار زندگی را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) بر حسب پنج زیرمقیاس مهار من، تاب‌آوری من، مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته، راهبردهای مقابله مسأله‌محور و راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت می‌سنجد.

مقیاس رواندرستی: مقیاس رواندرستی (MHI-28؛ بشارت، ۱۳۸۸)، فرم کوتاه مقیاس ۳۴ گویه‌ای رواندرستی (ویت و ویر، ۱۹۸۳)، یک آزمون ۲۸ گویه‌ای است و دو وضعیت سلامت روانشناختی^{۱۶} و درماندگی روانشناختی^{۱۷} را در اندازه‌های پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های رواندرستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی به ترتیب ۱۴ و ۷۰ است. ویژگی‌های روانسنجی فرم ۲۸ گویه‌ای این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از ۷۶۰ آزمودنی در دو گروه بیمار (n = ۲۷۷؛ ۱۷۳ زن، ۱۰۴ مرد) و بهنجار (n = ۴۸۳؛ ۲۶۷ زن، ۲۱۶ مرد) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های رواندرستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی برای نمره آزمودنی‌های بهنجار به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۱ و برای نمره آزمودنی‌های بیمار به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۰ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی^{۱۸} خوب مقیاس هستند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های بهنجار (n = ۹۲) در دو نوبت با فاصله دو هفته برای سنجش قابلیت اعتماد بازآزمایی^{۱۹} محاسبه شد. این ضرایب برای رواندرستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی به ترتیب $r = 0/90$ و $r = 0/89$ و در سطح $p < 0/001$ معنادار بودند که نشانه قابلیت اعتماد بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های بیمار (n = ۷۶) نیز در دو نوبت با فاصله یک تا دو هفته برای ارزیابی قابلیت اعتماد بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای رواندرستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی به ترتیب $r = 0/83$ و $r = 0/88$ و در سطح $p < 0/001$ معنادار بودند که نشانه قابلیت اعتماد بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. درستی^{۲۰} همزمان مقیاس رواندرستی-۲۸ از طریق اجرای همزمان پرسشنامه سلامت عمومی^{۲۱} (گلدبرگ، ۱۹۷۲، ۱۹۸۸) در مورد همه آزمودنی‌های دو گروه

محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کلی آزمودنی‌ها در پرسشنامه سلامت عمومی با زیرمقیاس رواندرستی روانشناختی همبستگی منفی معنادار ($r = -0/87, p < 0/001$) و با زیرمقیاس درماندگی روانشناختی همبستگی مثبت معنادار ($r = 0/89, p < 0/001$) وجود دارد. این نتایج درستی همزمان مقیاس رواندرستی را تأیید می‌کنند. درستی تفکیکی^{۲۲} مقیاس رواندرستی از طریق مقایسه نمره‌های سلامت روانشناختی و درماندگی روانشناختی دو گروه بیمار و بهنجار محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز دو زیرمقیاس سلامت روانشناختی و درماندگی روانشناختی را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۸).

مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان: مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان (DERS؛ گرتز و رومر، ۲۰۰۴) یک ابزار ۳۶ گویه‌ای است که سطوح نقص و نارسایی نظم‌جویی هیجان فرد را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) در شش زمینه به شرح زیر می‌سنجد: عدم پذیرش هیجان‌های منفی^{۲۳}، دشواری در انجام رفتارهای هدفمند^{۲۴} مواقع درماندگی، دشواری در مهار رفتارهای برانگیختگی^{۲۵} مواقع درماندگی، دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش نظم‌جویی هیجان^{۲۶}، فقدان آگاهی هیجانی^{۲۷}، و فقدان شفافیت هیجانی^{۲۸}. از مجموع نمره شش زیرمقیاس آزمون، نمره کل فرد برای دشواری نظم‌جویی هیجان محاسبه می‌شود. نمره بیشتر در هر یک از زیرمقیاس‌ها و کل مقیاس، نشانه دشواری بیشتر در نظم‌جویی هیجان است. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان شامل همسانی درونی، قابلیت اعتماد بازآزمایی و درستی سازه^{۲۹} و پیش‌بین^{۳۰} در نمونه‌های بالینی و غیربالینی در پژوهش‌های خارجی تأیید شده است (گرتز و تول، ۲۰۱۰؛ گرتز، روزنتال، تول، لجوز و گوندرسان، ۲۰۰۶؛ گرتز و رومر، ۲۰۰۴). ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان در نمونه‌های بالینی ($n = 187$) و غیربالینی ($n = 763$)، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند (بشارت، ۱۳۸۶). در این پژوهش‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های عدم پذیرش هیجان‌های منفی از ۰/۷۳ تا ۰/۸۸، برای دشواری در انجام رفتارهای هدفمند از ۰/۷۲ تا ۰/۸۹، برای دشواری در مهار رفتارهای برانگیختگی از ۰/۷۵ تا ۰/۹۰، برای دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش نظم‌جویی هیجان از ۰/۷۶ تا ۰/۸۵، برای فقدان آگاهی هیجانی

از ۰/۷۲ تا ۰/۸۶، برای فقدان شفافیت هیجانی از ۰/۷۷ تا ۰/۹۰، و برای نمره کل مقیاس از ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ به دست آمد. این ضرایب همسانی درونی نسخه فارسی مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان را تأیید می‌کنند. قابلیت اعتماد بازآزمایی مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان برای نمونه‌های بالینی ($n = 85$) و غیربالینی ($n = 156$) در دو نوبت با فاصله‌های ۴ تا ۶ هفته برای پرسش‌های عدم پذیرش هیجان‌های منفی از ۰/۷۰ تا ۰/۸۳، برای دشواری در انجام رفتارهای هدفمند از ۰/۷۰ تا ۰/۸۵، برای دشواری در مهار رفتارهای برانگیختگی از ۰/۷۲ تا ۰/۸۶، برای دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش نظم‌جویی هیجان از ۰/۶۹ تا ۰/۷۸، برای فقدان آگاهی هیجانی از ۰/۶۸ تا ۰/۸۰، برای فقدان شفافیت هیجانی از ۰/۷۳ تا ۰/۸۵، و برای نمره کل مقیاس از ۰/۷۱ تا ۰/۸۷ به دست آمد. این ضرایب که همه در سطح $p < 0.001$ معنادار هستند، قابلیت اعتماد بازآزمایی مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان را تأیید می‌کنند. درستی همگرا^{۳۱} و تشخیصی (افتراقی)^{۳۲} مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان از طریق اجرای همزمان مقیاس روان‌درستی^{۳۳} (MHI؛ ویت و ویر، ۱۹۸۳)، پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان^{۳۴} (CERQ؛ گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶) و فهرست عواطف مثبت و منفی^{۳۵} (PANAS؛ واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸) در مورد نمونه‌های مختلف از دو گروه بالینی و غیربالینی محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت (بشارت، ۱۳۸۶ ب).

فهرست عواطف مثبت و منفی: فهرست عواطف مثبت و منفی (PANAS؛ واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸) مقیاسی است متشکل از ۱۰ عاطفه مثبت و ۱۰ عاطفه منفی. این فهرست دو زیرمقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی را، به منزله دو بعد متعامد^{۳۶}، در اندازه‌های پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌های فهرست به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. فهرست عواطف مثبت و منفی، برحسب دستورالعمل اجرایی تعیین شده برای آزمودنی، عواطف مثبت و منفی را به دو صورت رگه^{۳۷} و/ یا حالت^{۳۸} می‌سنجد. ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (گومز، کوپر و گومز، ۲۰۰۰؛ واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). قابلیت اعتماد بازآزمایی فهرست عواطف مثبت و منفی در یک دوره دو ماهه برای عاطفه مثبت ۰/۶۸ و برای عاطفه منفی ۰/۷۱ محاسبه شده است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). درستی فهرست عواطف مثبت و منفی نیز از

طریق ضرایب همبستگی زیرمقیاس‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی با مقیاس افسردگی بک به ترتیب ۰/۳۶- و ۰/۵۸ و با زیرمقیاس اضطراب آشکار در پرسشنامه اضطراب آشکار-نهان به ترتیب ۰/۳۵- و ۰/۵۱ گزارش شده است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). نتایج به دست آمده در پژوهشی که بخشی پور و دژکام (۱۳۸۴) در مورد یک نمونه دانشجویی مبتلا به اختلال‌های افسردگی و اضطرابی انجام دادند، ساختار دو عاملی فهرست عواطف مثبت و منفی را تأیید کرد و ضرایب آلفای کرونباخ برای هر دو زیرمقیاس ۰/۸۷ محاسبه شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فهرست عواطف مثبت و منفی می‌تواند بین بیماران افسرده و مضطرب تمایز ایجاد کند. ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی در چندین پژوهش دیگر نیز، که در خلال سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ در نمونه‌های بیمار و بهنجار انجام شده‌اند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند (بشارت، ۱۳۸۷). در این پژوهش‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ برای بیماران به دست آمد. این ضرایب در نمونه‌های بهنجار برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۵ تا ۰/۹۰ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ محاسبه شد. این ضرایب که همه در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند، همسانی درونی زیرمقیاس‌های فهرست عواطف مثبت و منفی را تأیید می‌کنند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۸۴ نفر از نمونه‌های بیمار در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته برای عاطفه مثبت از ۰/۶۹ تا ۰/۷۳ و برای عاطفه منفی از ۰/۶۷ تا ۰/۷۰ محاسبه شد و در مورد نمره‌های ۲۳۳ نفر از نمونه‌های بهنجار در همین فاصله زمانی برای عاطفه مثبت از ۰/۶۶ تا ۰/۷۱ و برای عاطفه منفی از ۰/۶۹ تا ۰/۷۴ به دست آمد. این ضرایب که همه در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند، قابلیت اعتماد باز آزمایی فهرست عواطف مثبت و منفی را تأیید می‌کنند. درستی همگرا و تشخیصی (افتراقی) نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی از طریق اجرای همزمان مقیاس افسردگی بک^{۳۹}، مقیاس اضطراب بک^{۴۰} و مقیاس رواندرستی در مورد آزمودنی‌های دو گروه بیمار و بهنجار محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز با تعیین دو عامل عاطفه مثبت و عاطفه منفی، درستی سازه نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۷).

داده‌ها یافته‌ها

جدول شماره (۱) شاخص‌های آماری شرکت کنندگان را در مورد نمره‌های استحکام من،

رواندرستی روانشناختی، درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف مثبت و منفی نشان می‌دهد. مقایسه نمره‌های دختران و پسران در مقیاس استحکام من نشان می‌دهد که میانگین نمره آنها در دو زیرمقیاس استحکام من، یعنی راهبردهای مقابله مسأله‌محور و راهبردهای مقابله هیجان‌محور تفاوت معنادار دارند.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و نتایج آزمون t نمره‌های مقیاس‌های استحکام من، رواندرستی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف مثبت و منفی برای دختران و پسران

متغیر	دختران		پسران		t	p
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
مهاری من	۲۴/۵۶	۵/۳۹	۲۵/۲۹	۴/۱۲	۱/۲۱	۰/۲۲۵
تاب‌آوری من	۲۶/۳۱	۴/۱۶	۲۷/۰۲	۳/۸۷	۱/۴۲	۰/۱۵۵
مکانسم‌های دفاعی رشدیافته	۲۵/۵۱	۳/۳۵	۲۵/۸۳	۳/۵۷	۰/۷۳۳	۰/۴۶۴
راهبردهای مقابله مسأله‌محور	۲۶/۰۶	۴/۱۰	۲۷/۸۹	۳/۵۰	۳/۸۲	۰/۰۰۱
راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت	۲۶/۴۲	۳/۹۷	۲۷/۸۸	۳/۰۷	-۳/۲۷	۰/۰۰۱
رواندرستی روانشناختی	۵۲/۶۵	۱۰/۵۵	۵۳/۵۶	۱۰/۶۷	۰/۶۸۵	۰/۴۹۴
درماندگی روانشناختی	۳۰/۱۹	۸/۶۰	۲۹/۲۸	۸/۴۳	-۰/۸۶۳	۰/۳۸۹
دشواری نظم‌جویی هیجان	۷۴/۱۹	۱۵/۶۱	۷۲/۶۰	۱۵/۲۶	-۰/۸۳۷	۰/۴۰۴
عواطف مثبت	۳۳/۸۵	۸/۵۵	۳۵/۱۹	۸/۷۷	۱/۲۶	۰/۲۰۷
عواطف منفی	۱۷/۷۵	۴/۷۷	۱۷/۱۴	۴/۴۵	-۰/۷۰۱	-۰/۴۸۴

درستی آزمایی: به منظور بررسی درستی سازه مقیاس استحکام من، از تحلیل عاملی اکتشافی^{۴۱} با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^{۴۲} برای کل ۳۱۲ شرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد. در تحلیل چرخش‌نیافته^{۴۳}، بار عاملی اکثر گویه‌های مقیاس روی یک عامل کلی قرار گرفت. آزمون اسکری^{۴۴} (کتل، ۱۹۶۶)، که تعداد تقریبی عامل‌ها را پیشنهاد می‌کند، نشان داد که پنج عامل قابل استخراج است. به دلیل همبستگی مثبت عوامل مقیاس استحکام من، تحلیل عوامل داده‌ها با روش چرخش متمایل^{۴۵} انجام شد. نتایج چرخش متمایل نشان داد که پنج عامل مهاری من، تاب‌آوری من، مکانسم‌های دفاعی رشد یافته، راهبردهای مقابله مسأله‌محور و راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت وجود دارند و ۴۳/۱۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. جدول شماره (۲) بار عاملی گویه‌های هر یک از عوامل را نشان می‌دهد.

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مقیاس استحکام من

عامل پنجم*		عامل چهارم*		عامل سوم*		عامل دوم*		عامل اول*	
بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه
۰/۳۱	۱	۰/۳۴	۴	۰/۳۳	۳	۰/۳۵	۲	۰/۳۱	۵
۰/۳۳	۷	۰/۵۱	۹	۰/۵۱	۸	۰/۳۷	۶	۰/۵۳	۱۰
۰/۴۵	۱۳	۰/۵۷	۱۵	۰/۴۷	۱۱	۰/۴۱	۱۲	۰/۴۶	۱۷
۰/۴۷	۱۹	۰/۵۹	۲۱	۰/۵۶	۱۴	۰/۴۹	۱۸	۰/۵۳	۲۰
۰/۵۴	۱۹	۰/۵۳	۲۴	۰/۶۰	۲۶	۰/۵۳	۲۳	۰/۵۱	۲۵
۰/۶۱	۲۲	۰/۶۱	۲۷	۰/۴۵	۲۹	۰/۵۰	۳۰	۰/۵۷	۳۱
۰/۴۳	۲۸	۰/۳۳	۳۴	۰/۴۱	۳۳	۰/۶۱	۳۲	۰/۳۳	۳۵

*عامل اول= مهار من؛ عامل دوم= تاب‌آوری من؛ عامل سوم= مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته؛ عامل چهارم= راهبردهای مقابله مسأله‌محور؛ عامل پنجم= راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت؛ شماره گویه‌ها بر اساس شماره‌های فرم اصلی ۳۵ گویه‌ای مقیاس استحکام من مشخص شده‌اند.

درستی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس استحکام من از طریق اجرای همزمان مقیاس روان‌درستی، مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان و فهرست عواطف مثبت و منفی در مورد شرکت‌کنندگان محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره شرکت‌کنندگان در زیرمقیاس‌های استحکام من با شاخص‌های سلامت روانشناختی و عواطف مثبت همبستگی مثبت معنادار و با شاخص‌های درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف منفی همبستگی منفی معنادار وجود دارد (جدول‌های شماره ۳ و ۴). این نتایج، درستی همگرا و تشخیصی مقیاس استحکام من را برای دختران و پسران تأیید می‌کند.

جدول ۳: ضرایب همبستگی پیرسون بین زیرمقیاس‌های استحکام من با سلامت روانشناختی، درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف مثبت و منفی برای بررسی درستی همگرا و تشخیصی مقیاس استحکام من در دختران

(n = ۱۵۱)

متغیر	روان‌درستی روانشناختی	درماندگی روانشناختی	دشواری نظم‌جویی هیجان	عواطف مثبت	عواطف منفی
مهار من	۰/۳۷	-۰/۳۷	-۰/۳۵	۰/۳۷	-۰/۳۵
تاب‌آوری من	۰/۳۵	-۰/۴۴	-۰/۴۱	۰/۳۳	-۰/۳۳
مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته	۰/۴۵	-۰/۳۵	-۰/۲۹	۰/۳۰	-۰/۴۱
راهبردهای مقابله مسأله‌محور	۰/۴۳	-۰/۳۳	-۰/۳۳	۰/۴۴	-۰/۳۰
راهبردهای مقابله هیجان‌محور	۰/۴۱	-۰/۴۰	-۰/۳۱	۰/۳۹	-۰/۳۴

همه ضرایب معنادار هستند ($p < ۰/۰۰۱$).

جدول ۴: ضرایب همبستگی پرسون بین زیرمقیاس‌های استحکام من با سلامت روانشناختی، درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف مثبت و منفی برای بررسی درستی همگرا و تشخیصی مقیاس استحکام من در پسران ($n = 116$)

متغیر	رواندرستی روانشناختی	درماندگی روانشناختی	دشواری نظم‌جویی هیجان	عواطف مثبت	عواطف منفی
مهار من	۰/۳۳	-۰/۳۵	-۰/۳۵	۰/۳۰	-۰/۳۱
تاب‌آوری من	۰/۴۱	-۰/۳۱	-۰/۳۷	۰/۳۳	-۰/۲۷
مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته	۰/۳۵	-۰/۳۷	-۰/۳۱	۰/۳۶	-۰/۳۵
راهبردهای مقابله مسأله‌محور	۰/۴۵	-۰/۳۵	-۰/۳۵	۰/۴۳	-۰/۳۳
راهبردهای مقابله هیجان‌محور	۰/۴۷	-۰/۴۶	-۰/۳۳	۰/۳۹	-۰/۴۱

همه ضرایب معنادار هستند ($p < 0/001$).

همسانی درونی: برای سنجش همسانی درونی مقیاس استحکام من از ضریب آلفای کرونباخ (۱۹۷۰) در مورد نمره‌های آزمودنی‌ها استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌های مهار من، تاب‌آوری من، مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته، راهبردهای مقابله مسأله‌محور و راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت برای یک نمونه ۸۳ نفری از شرکت‌کنندگان در نوبت اول به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۸۷ و ۰/۶۸ و در نوبت دوم به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۲، ۰/۷۵، ۰/۸۵ و ۰/۶۹ محاسبه شد (جدول شماره ۵). ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های استحکام من برای کل شرکت‌کنندگان ($n = 267$) به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۸۰، ۰/۸۸ و ۰/۸۴ محاسبه شد. این ضرایب نشانه همسانی درونی رضایت‌بخش مقیاس استحکام من است.

قابلیت اعتماد بازآزمایی: ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۶۸ نفری از شرکت‌کنندگان در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته برای سنجش قابلیت اعتماد بازآزمایی مقیاس استحکام من محاسبه شد. این ضرایب برای مهار من $r = 0/62$ ، برای تاب‌آوری من $r = 0/67$ ، برای مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته $r = 0/71$ ، برای راهبردهای مقابله مسأله‌محور $r = 0/69$ و برای راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت $r = 0/65$ به دست آمد و در سطح $p < 0/001$ معنادار بودند. این ضرایب نشانه قابلیت اعتماد بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس استحکام من هستند (جدول شماره ۵).

جدول ۵: ضرایب آلفای کرونباخ و همبستگی بین نمره‌های شرکت‌کنندگان در مقياس استحکام من در نوبت اول و دوم (n = ۶۸)

متغیر	نوبت اول			نوبت دوم		
	میانگین	انحراف معیار	آلفا	میانگین	انحراف معیار	آلفا
مهار من	۲۵/۷۸	۵/۰۳	۰/۷۱	۲۴/۹۷	۵/۲۶	۰/۷۳
تاب‌آوری من	۲۷/۱۲	۴/۵۷	۰/۷۹	۲۶/۸۷	۳/۸۹	۰/۸۲
مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته	۲۵/۷۶	۳/۶۷	۰/۷۳	۲۶/۴۴	۴/۰۷	۰/۷۵
راهبردهای مقابله مسأله‌محور	۲۵/۶۶	۴/۳۳	۰/۸۷	۲۶/۵۸	۵/۱۷	۰/۸۵
راهبردهای مقابله هیجان‌محور	۲۶/۰۲	۴/۲۷	۰/۶۸	۲۵/۸۸	۴/۳۳	۰/۶۹

همه ضرایب معنادار هستند ($p < ۰/۰۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر ویژگی‌های روانسنجی مقياس استحکام من شامل درستی سازه، درستی همگرا و تشخیصی (افتراقی)، همسانی درونی و قابلیت اعتماد بازآزمایی را در نمونه‌ای از دانشجویان تأیید کرد. نتایج مربوط به درستی سازه مقياس استحکام من با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی وجود پنج عامل مهار من، تاب‌آوری من، مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته، راهبردهای مقابله مسأله‌محور و راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت را تأیید کرد. این پنج عامل روی هم‌رفته توانستند ۴۳/۱۷ درصد واریانس کل را تبیین کنند. این یافته‌ها، ویژگی‌های روانسنجی نسخه ۳۵ گویه‌ای مقياس استحکام من را تأیید می‌کنند.

درستی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقياس استحکام من از طریق اجرای همزمان مقياس روان‌درستی، مقياس دشواری نظم‌جویی هیجان و فهرست عواطف مثبت و منفی در مورد شرکت‌کنندگان محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره شرکت‌کنندگان در زیرمقياس‌های استحکام من با شاخص‌های سلامت روانشناختی و عواطف مثبت همبستگی مثبت معنادار و با شاخص‌های درماندگی روانشناختی، دشواری نظم‌جویی هیجان و عواطف منفی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. این یافته‌ها درستی نسخه ۳۵ گویه‌ای مقياس استحکام من را برای استفاده در پژوهش‌های آینده مورد تأیید قرار می‌دهند. نتایج این پژوهش همچنین با یافته‌های قبلی که نشان داده‌اند استحکام من با تعدادی از

شاخص‌های رواندرستی (بشارت، ۱۳۸۷، ۲۰۱۰؛ بشارت و شهیدی، ۲۰۱۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳؛ مارکستروم و همکاران، ۱۹۹۷؛ مارکستروم و مارشال، ۲۰۰۷)، سازش‌یافتگی اجتماعی و هیجانی (شارما، ۲۰۱۲)، راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان (بشارت و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴) و سبک‌های هویت (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴) رابطه دارد، مطابقت می‌کند.

همسانی درونی گویه‌های مقیاس استحکام من و زیرمقیاس‌های آن برحسب ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. قابلیت اعتماد بازآزمایی مقیاس بر اساس محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از شرکت‌کنندگان در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته برای زیرمقیاس‌های استحکام من و همین‌طور برای نمره کلی استحکام من در سطح $p < 0.001$ معنادار محاسبه شد. این ضرایب نشانه قابلیت اعتماد بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس ۳۵ گویه‌ای مقیاس استحکام من است.

نتایج این پژوهش نشان داد که دختران و پسران در بعضی از ابعاد استحکام من مثل راهبردهای مقابله مسأله‌محور و راهبردهای مقابله هیجان‌محور با هم تفاوت داشتند. این یافته در عین حال که تفاوت دو جنس را در مؤلفه‌های استحکام من تأیید می‌کند، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های استحکام من می‌توانند در زنان و مردان به شکل‌های متفاوت باعث توانمندی‌های من شوند. طبق یافته‌های این پژوهش، سودی را که مردان از قبل راهبردهای مقابله مسأله‌محور در استحکام من می‌برند، زنان از راهبردهای مقابله هیجان‌محور مثبت به دست می‌آورند. این یافته می‌تواند چندوجهی بودن استحکام من را تأیید نماید و از نتایج تحلیل عاملی این پژوهش برای مقیاس استحکام من حمایت کند. این یافته، در عین حال می‌تواند بیانگر تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی در ترسیم ویژگی‌های استحکام من در زنان و مردان و شکل‌گیری متفاوت این ویژگی‌ها در دو جنس باشد. من در هر دو جنس می‌تواند از توانمندی و استحکام برخوردار باشد اما نه الزاماً به شکلی همانند و همسان. بر این اساس، استحکام من گرچه از مؤلفه‌های بنیادین سرشتی مثل تاب‌آوری تغذیه می‌شود، نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی را نیز شاید بتوان به همان اندازه بنیادین دانست.

پیامدهای این پژوهش در دو سطح نظری و عملی قابل استفاده خواهند بود. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش ضمن تأیید ابعاد سازه استحکام من، از شواهد موجود در مورد اهمیت آنها

برای توانمندی‌های من و پیامد آن تأثیرگذاری بر سلامت روانشناختی و موفقیت در زمینه‌های مختلف زندگی و تعامل‌های اجتماعی (برای مثال، بشارت، ۱۳۸۷، ۲۰۱۰؛ بشارت و شهیدی، ۲۰۱۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴؛ شارما، ۲۰۱۲؛ مارکستروم و مارشال، ۲۰۰۷) حمایت می‌کنند. این یافته‌ها، همچنین می‌توانند برای غنی‌سازی نظریه‌های مربوط به آسیب‌شناسی من و تأثیر ضعف و نارسایی‌های من بر سلامت و کیفیت زندگی (فروید، ۱۹۲۳؛ کریمر، ۲۰۱۲؛ وینر و همکاران، ۲۰۱۲) مورد استفاده قرار گیرند. توجه به مفهوم من و توانمندی‌های من در چهارچوب نظریه‌های مرتبط با رشد و تحول من، این نظریه‌ها را در شناخت، تبیین و تفسیر ابعاد من و نقش آنها در فرایند ظهور و افول قدرت و استحکام من موفق‌تر و توانمندتر می‌کند.

در سطح عملی، بر اساس یافته‌های این پژوهش، مقیاس استحکام من، به‌عنوان مقیاسی معتبر، می‌تواند برای بررسی ویژگی‌های من در پژوهش‌های تحولی، بالینی و تربیتی به کار بسته شود. گرچه پژوهش حاضر در مورد نمونه‌ای از جمعیت دانشجویی انجام شده است، اما با توجه به شواهد پژوهشی موجود در مورد اهمیت بررسی ابعاد استحکام من (برای مثال، بشارت و همکاران، ۱۳۹۴؛ شارما، ۲۰۱۲؛ مارکستروم و مارشال، ۲۰۰۷) و همچنین تأیید ویژگی‌های روانسنجی آن در پژوهش حاضر، می‌توان از این مقیاس برای پژوهش‌های اکتشافی استفاده کرد.

نتایج پژوهش حاضر در تأیید قابلیت اعتماد، درستی و ساختار عاملی مقیاس استحکام من در عین حال با محدودیت‌های خاص مقدماتی بودن این مشخصه‌ها همراه است. این محدودیت‌ها، مخصوصاً در زمینه بررسی انواع درستی یک مقیاس که فرایندی مستمر است، بیشتر نمایان می‌شوند. بر این اساس، تدارک طرح‌های پژوهشی به‌منظور تکمیل فرایند اعتباریابی مقیاس استحکام من و حتی تکرار بعضی پژوهش‌ها برای تأیید یافته‌های فعلی به‌عنوان یک ضرورت پیشنهاد می‌شود. انجام چنین پژوهش‌هایی، مقدمات لازم برای هنجاریابی مقیاس استحکام من را، به‌عنوان فرایندی متمایز از اعتباریابی، در آینده فراهم خواهد ساخت. محدودیت دیگر در مورد ویژگی‌های روانسنجی مقیاس استحکام من، جامعه پژوهش، یعنی نمونه‌ای از جمعیت دانشجویی، است. به همین دلیل، این نتایج، مخصوصاً در زمینه تحلیل عاملی مقیاس استحکام من، باید مقدماتی تلقی شوند.

پی نوشت ها:

- | | |
|--|---|
| 1- ego strength | 2- ego-control |
| 3- ego-resiliency | 4- defense mechanisms |
| 5- coping strategies | 6- effortful control |
| 7- reactivity | 8- impulsivity |
| 9- defense style | 10- problem-focused coping |
| 11- emotional-focused coping | 12- mental health |
| 13- physical well-being | 14- Ego Strength Scale (ESS) |
| 15- content validity | 16- psychological well-being |
| 17- psychological distress | 18- internal consistency |
| 19- test-retest reliability | 20- validity |
| 21- General Health Questionnaire | 22- differential validity |
| 23- nonacceptance of negative emotions | 24- difficulties engaging in goal-directed behaviors |
| 25- difficulties controlling impulsive behaviors | 26- limited access to effective emotion regulation strategies |
| 27- lack of emotional awareness | 28- lack of emotional clarity |
| 29- construct validity | 30- predictive |
| 31- convergent | 32- discriminant |
| 33- Mental Health Inventory | 34- Cognitive Emotion Regulation Questionnaire |
| 35- Positive and Negative Affect Schedule | 36- orthogonal |
| 37- trait | 38- state |
| 39- Beck Depression Inventory | 40- Beck Anxiety Inventory |
| 41- exploratory factor analysis | 42- principal components analysis |
| 43- unrotated solution | 44- scree test |
| 45- oblique rotation | |

منابع و مآخذ فارسی:

- بشارت، م.ع. (۱۳۸۴). بررسی رابطه کمال‌گرایی مثبت و منفی و مکانیسم‌های دفاعی. *پژوهش‌های روانشناختی*، ۱۵، ۲۲-۷.
- بشارت، م.ع. (۱۳۸۶ الف). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس استحکام من. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م.ع. (۱۳۸۶ ب). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس دشواری نظم‌جویی هیجان. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.

بشارت، م.ع. (۱۳۸۷). نارسایی هیجانی و سبک‌های دفاعی. *اصول بهداشت روانی*، ۳۹،

۱۹۰-۱۸۱.

بشارت، م.ع. (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.

بشارت، م.ع. (۱۳۸۸). قابلیت اعتماد و درستی فرم ۲۸ سؤالی مقیاس رواندرستی در جمعیت ایرانی. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۵۴، ۹۱-۸۷.

بشارت، م.ع.، اسدی، م. م.، و تولاییان، ف. (۱۹۹۴). نقش واسطه‌ای استحکام من در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، زیر چاپ.

بشارت، م.ع.، براتی، ن.، و لطفی، ج. (۱۳۸۷). رابطه سبک‌های مقابله با استرس و سطوح سازش روانشناختی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس. *پژوهش در پزشکی*، ۳۲، ۳۵-۲۷.

بشارت، م.ع.، محمدی حسینی‌نژاد، ا.، و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان در رابطه بین ناگویی هیجانی، خشم و نشخوار خشم با سبک‌های دفاعی من. *روانشناسی معاصر*، ۱۸، ۴۸-۲۹.

بشارت، م.ع.، زاهدی تجریشی، ک.، و نوربالا، ا.ع. (۱۳۹۲). مقایسه ناگویی هیجانی و راهبردهای نظم‌جویی هیجان در بیماران جسمانی‌سازی، بیماران اضطرابی و افراد عادی. *روانشناسی معاصر*، ۱۶، ۱۳-۳.

بشارت، م.ع.، و شالچی، ب. (۱۳۸۶). سبک‌های دلبستگی و مقابله با تنیدگی. *روانشناسان ایرانی*، ۱۱، ۳۵-۲۵.

بشارت، م.ع.، شریفی، م.، و ایروانی، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی. *مجله روانشناسی*، ۱۹، ۲۸۹-۲۷۷.

بشارت، م.ع.، شفیع‌پور، ر.، و رحیمی‌نژاد، ع. (۱۳۹۴). رابطه بین کنش‌وری ادراک شده خانواده و سبک‌های هویت: نقش واسطه‌ای استحکام من. *خانواده‌پژوهی*، زیر چاپ.

بخشی‌پور، ع.، و دژکام، م. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی مقیاس عاطفه مثبت و منفی. *مجله روانشناسی*، ۳۶، ۳۵۱-۳۶۵.

قربانی، ن. (۱۳۸۲). روان‌درمانگری پویایی فشرده و کوتاه‌مدت: مبادی و فنون. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

محمدی حسینی نژاد، ا. (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان در رابطه بین ناگویی هیجانی، خشم و نشخوار خشم با سبک‌های دفاعی من. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران: تهران.

منابع و مأخذ خارجی:

- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-V)*. Washington DC: Author.
- Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease, 181*, 246-256.
- Baron, R.M., & Kenny, D.A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology, 51*, 1173-1182.
- Bauer, J.J., Schwab, J.R., & McAdams, D.P. (2011). Self-actualizing: where ego development finally feels good? *The Humanistic Psychologist, 39*, 1-15.
- Baumeister, R.F., Vohs, K.D., & Tice, D.M. (2007). The strength model of self-control. *Current Direction in Psychological Science, 6*, 351- 357.
- Bellak, L., Hurvich, M., & Gedeman, H. (1973). *Ego functions in schizophrenics, neurotics and normals*. NY: John Wiley.
- Besharat, M.A. (2010). Relationship of alexithymia with coping styles and interpersonal problems. *Procedia Social and Behavioral Sciences, 5*, 614-497.
- Besharat, M.A., & Shahidi, S. (2011). What is the relationship between alexithymia and ego defense styles? A correlational study with Iranian students. *Asian Journal of Psychiatry, 4*, 145-149.
- Bloch, A.L., Shear, M.K., Markowitz, J.C., Leon, A.C., & Perry, J.C. (1993). An empirical study of defense mechanisms in dysthymia. *American Journal of Psychiatry, 150*, 1194-1198.
- Block, J. (2002). *Personality as an affect-processing system: Toward an integrative theory*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Block, J.H., & Block, H. (1980). The role of ego-control and ego-resiliency in the organization of behavior. In W. A. Collin (Ed.), *Minnesota symposia on child psychology* (pp. 33-101). Hillside, NJ: Erlbaum.

- Bond, M. (2004). Empirical studies of defense style: Relationships with psychopathology and change. *Harvard Review of Psychiatry, 12*, 263-278.
- Bond, M., & Perry, J.C. (2004). Long-term changes in defense styles with psychodynamic psychotherapy for depressive, anxiety and personality disorders. *American Journal of Psychiatry, 161*, 1665-1671.
- Bonanno, G.A. (2004). Loss, trauma, and human resilience. *American Psychologist, 59*, 20-28.
- Carver, C.S., Scheier, M.F., & Weintrub, J.K. (1989). Assessing coping strategies: a theoretically based approach. *Journal of Personality and Social Psychology, 56*, 267-283.
- Cattell, R.B. (1966). The scree test for the number of factors. *Multivariate Behavioral Research, 1*, 140-161.
- Connor, K.M., & Davidson, J.R.T. (2003). Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety, 18*, 76-82.
- Cramer, P. (1999). Personality, personality disorders, and defense mechanisms. *Journal of Personality, 67*, 535-551.
- Cramer, P. (2012). Psychological maturity and change in adult defense mechanisms. *Journal of Research in Personality, 46*, 306-316.
- Cronbach, L.J. (1970). *Essentials of psychological testing*. New York: Harper and Row International.
- Erikson, E.H. (1965). Youth: Fidelity and diversity. In E. H. Erikson (Ed.), *The challenge of youth* (pp. 1-28). Garden City, NY: Anchor Books.
- Freud, S. (1923). The ego and the id. In J. Strachey (Ed. and Trans.), *The complete psychological works* (Vol. 19). New York: Norton, 1976.
- Garnefski, N., Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire-development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences, 41*, 1045-1053.
- Gomez, R., Cooper, A., & Gomez, A. (2000). Susceptibility to positive and negative mood states: test of Eysenck's, Gray's and Newman's theories. *Personality and Individual Differences, 29*, 351-365.
- Gratz, K.L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 26*, 41-54.
- Gratz, K.L., Rosenthal, M.Z., Tull, M.T., Lejuez, C.W., & Gunderson, J.G. (2006). An experimental investigation of emotion dysregulation in borderline personality disorder. *Journal of Abnormal Psychology, 115*, 850-855.

- Gratz, K.L., & Tull, M.T. (2010). Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance- and mindfulness-based treatments. In R. Baer (Ed.), *Assessing mindfulness and acceptance processes in clients: Illuminating the theory and process of change* (pp. 107-133). Oakland, CA: New Harbinger Publications.
- Ingram, R.E., & Price, J.M. (2001). The role of vulnerability in understanding psychopathology. In R.E. Ingram, & J.M. Price (Eds.), *vulnerability to psychopathology: risk across the lifespan* (pp. 3-19). New York: The Guilford Press.
- Kipper, L., Blaya, C., Teruchkin, B., Heldt, E., Isolan, L., Mezzomo, K. et al. (2004). Brazilian patients with panic disorder: the use of defense mechanisms and their association with severity. *Journal of Nervous and Mental Disease, 192*, 58-64.
- Kipper, L., Blaya, C., Wachleski, C., Dornelles, M., Salum, G.A., Heldt, E., et al. (2007). Trauma and defense style as response predictors of pharmacological treatment in panic patients. *European Psychiatry, 22*, 87-91.
- Kwon, P., & Olson, M.L. (2007). Rumination and depressive symptoms: Moderating role of defense style immaturity. *Personality and Individual Differences, 43*, 715-724.
- Lazarus, R.S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal and coping*. New York: Springer.
- Loevinger, J. (1976). *Ego development*. San Fransisco, CA: Jossey-Bass.
- Luthar, S.S., & Cicchetti, D. (2000). The construct of resilience: implications for interventions and social policies. *Development and Psychopathology, 12*, 857-885.
- Markstrom, C.A., Sabino, V.M., Turner, B., & Berman, B.C. (1997). The Psychosocial Inventory of Ego Strengths: Development and validation of a new Eriksonian measure. *Journal of Youth and Adolescence, 26*, 705-732.
- Markstrom, C.A., & Marshall, S.K. (2007). The psychosocial inventory of ego strengths: Examination of theory and psychometric properties. *Journal of Adolescence, 30*, 63-79.
- Masten, A. (2001). Ordinary magic: resilience processes in development. *American Psychologist, 56*, 227-238.
- Mccrae, R.R., & Costa, P.T. (2005). *Personality in adulthood*. New York, NY: Guilford Press.
- McMahon, C., Barnett, B., Kowalenko, n., & Tennant, C. (2005). Psychological factors associated with persistent postnatal depression: past and current relationships, defense styles and the mediating role of insecure attachment style. *Journal of Affective Disorders, 84*, 15-24.

- Perry, J.C., & Cooper, S.H. (1992). What do cross-sectional measures of defense mechanisms predict? In G.E. Vaillant (Ed.), *Ego mechanisms of defense: A guide for clinicians and researchers* (pp. 195-216). Washington, DC: American Psychiatric Press.
- Pfeffer, C.R., Hurt, S.W., Peskin, J.R., & Siefker, C.A. (1995). Suicide children grow up: Ego functions associated with suicide attempts. *Journal of American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 34, 1318-1325.
- Piko, B. (2001). Gender differences and similarities in adolescents' ways of coping. *Psychological Record*, 51, 223-236.
- Richardson, G.E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of Clinical Psychology*, 58, 307-321.
- Rothbart, M.K., Ellis, L.K., Rueda, M.R., & Posner, M.I. (2003). Developing mechanisms of effortful control. *Journal of Personality*, 71, 1113-1143.
- Sharma, R. (2012). ego-strength in relation to adjustment of college-going students. *Indian Streams Reserach Journal*, 2, 1-4.
- Vaillant, G.E. (1994). Ego mechanisms of defense and personality psychopathology. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 44-50.
- Vaillant, G.E. (1998). *Adaptation to life*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Vaillant, G.E. (2000). *Adaptive mental mechanisms: their role in a positive psychology*. *American Psychologist*, 55, 89-98.
- Vaillant, G.E., Drake, R.E. (1985). Maturity of ego defenses in relation to DSM-III axis personality disorders. *Archives of General Psychiatry*, 42, 597-601.
- Veit, C.T. & Ware, J.E. (1983). The structure of psychological distress and well-being in general population. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 51, 730-742.
- Watson, D., Clarke, L.A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 1063-1070.
- Waugh, C.E., Fredrickson, B.L., & Taylor, S.F. (2008). Adapting to life's sling and arrows: Individual differences in resilience when recovering from an anticipated threat. *Journal of Research in Personality*, 3, 1-16. Available online at www.sciencedirect.com
- Weiner, I.B., Tennen, H.A., & Suls, J.M. (2012). *Handbook of Psychology, Personality and Social Psychology (Volume 5)*. New Jersey: Wiley.
- Weir, R.C., & Gjerde, P.F. (2002). Preschool Personality Prototypes: Internal Coherence, Cross-Study Reliability, and Developmental Outcomes in Adolescence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 1229-1241.